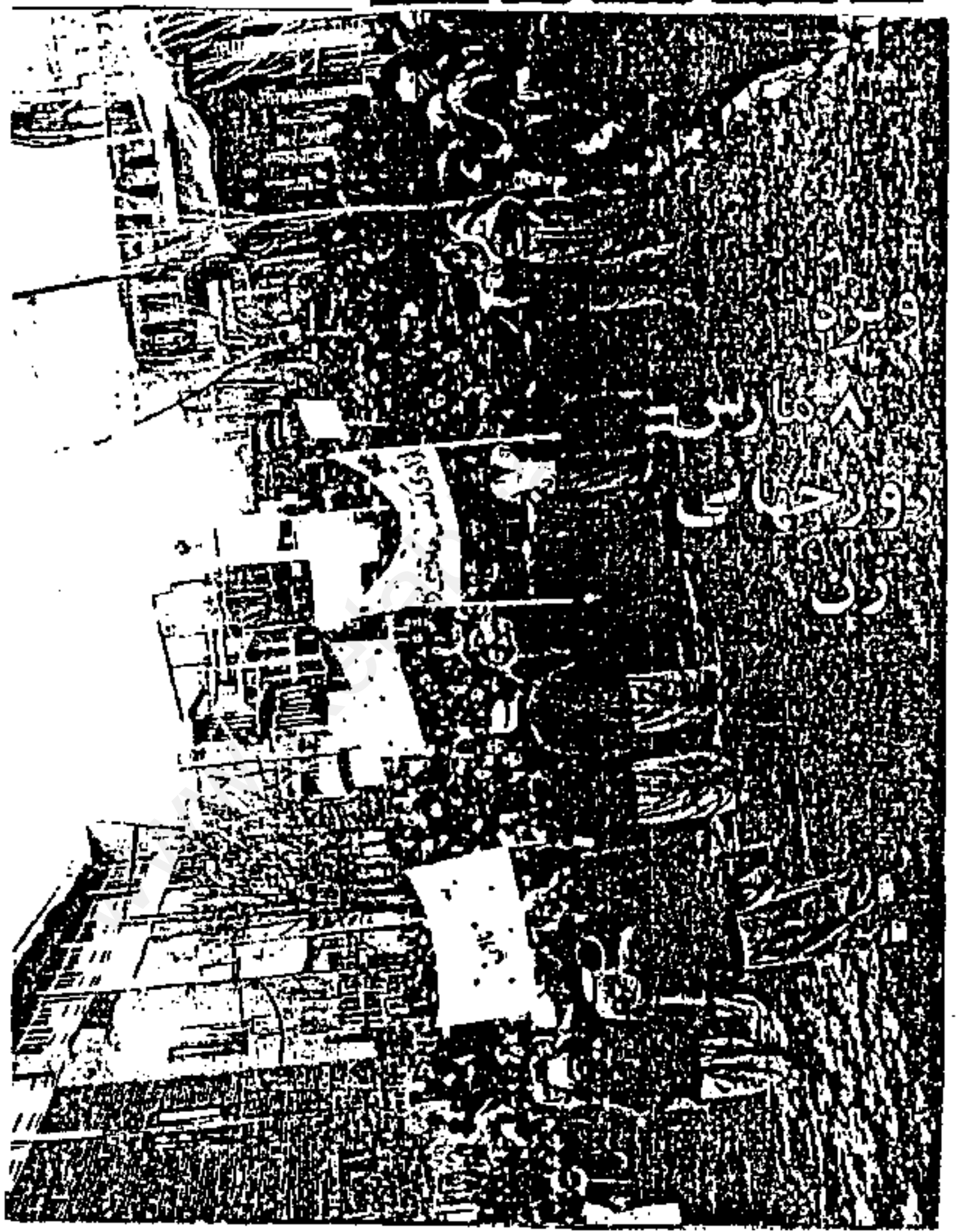


گنبد زمان واپسته به امکانات هواپیماران

مازنان پرینکها و معانی خلق ایران - سپهران و بلخپستان

دولت اسلامی



ویرانه مارتن
 دور جهان
 زان

ضد امپریالیستی چیزه جداچه چیزه به دمکراسی نه انت



۸ مارس روز جهانی زن را گرامی داریم

در روز (۸ مارس ۱۹۰۸ یعنی ۲۱ سال قبل هزاران تن از زنان نهرمان کارگر نساجی آمریکا علیه دستم سرمایه و استثمار به حقوق دمکراتیک خویش دست به اعتراض گشوده ای زدند. آنان خواهان پایان دادن به قوانین غیرانسانی ۱۲ ساعت کار روزانه برای زنان و اشتغال کودکان بودند. این جنبش با خواست حق رای برای زنان همراه بود.

این اعتراض بزرگ زنان از شهر صنعتی نیویورک آغاز گشت و با حمایت وسیع زنان زحمتکش در سطح جهانی روبرو شد. اگرچه خواهشهای این جنبش در همان مرحله بدست نیامد، ولی این حرکت نقطه عطفی در جنبش زنان کارگر و زحمتکش و طبفه کارگر جهانی گشت.

در سال ۱۹۱۰ یعنی دو سال بعد از این حرکت به پیشنهاد کلارا زتکین (یکی از چهره های سرخشان زنان کمونیست و یکی از رهبران سوسیال دمکراسی آلمان) در کنفرانس بین المللی زنان در کپنهاگ این روز به عنوان روز جهانی زنان زحمتکش تصویب گشت. زنان کارگر و زحمتکش هر ساله این روز را به شیوه های گوناگون گرامی میدارند و همبستگی خود را در سراسر جهان هر چه بیشتر مستحکم میگردانند. کنفرانس تصمیم گرفت که هر ساله در همه کشورها زنان روز واحد ویژه ای را با شعار " حق رای زنان نیروها بمان را در مبارزه برای سوسیالیسم متحد میسازد " برگزار نمایند. در سال ۱۹۱۱ روز بین المللی زنان رسماً از طرف انترناسیونال دوم پذیرفته شد.

هدف سوسیالیستها از مطرح نمودن این شعار یعنی اهمیت احقاق حق رای برای زنان کارگر از آن جهت بود که میلیونها زن پرولتاریا که با رشد سرمایه داری در رشته های صنایع بکار پرداختند میتوانند از این حق به عنوان وسیله ای برای نفوذ اجتماعی و سیاسی و حفظ منافع اقتصادی خود و نیز بصورت حربه ای در مبارزه علیه طبفه سرمایه دار استثمارگر استفاده کنند. لکن هدف نهایی زنان پرولتاریا انتقال پرولتری و برچیدن حلقه بورژوازی، استقرار دیکتاتوری پرولتاریا، لغو مالکیت خصوصی، ایجاد جامعه کمونیستی و کسب آزادی کامل و تساوی واقعی با مردان بود. و مطرح نمودن حق رای محدود حق رای محدود از جانب زنان بورژوا باعث میگردید که بورژوازی نیرومندتر شده و موقعیت زنان پرولتاریا مانند کل این طبفه بیشتر تضعیف گردد.

اولین مراسم روز جهانی زنان کارگر در ۱۹ مارس ۱۹۱۱ برگزار گردید. این تاریخ بدین جهت انتخاب شد که اهمیت تاریخی برای پرولتاریای آلمان داشت. در روز نوزدهم مارس ۱۸۸۸ عشاء پرورس که نیروی عظیم خلقی را غیر قابل مقاومت یافت در برابر خطر شورش کارگران و در مقابل خواهشهای آنان سرافروذ آورد. او در ضمن تمام وعده هائی که هرگز جامعه عمل نیوعیدند وعده حق رای به زنان را نیز داد. اولین مراسم روز بین المللی زنان در سال ۱۸۱۱ با موفقیت بی نظیری در آلمان، اطرین و سوئیس برگزار شد. آلمان و اطرین در این روز تبدیل به ریائی غرورمان شدند. جلسات در همه جا حتی در شهرهای کوچک و در روستاها نیز تشکیل شدند. در اطرین، در جریان تظاهرات بزرگ خیابانی که با شرکت ۲۰۰۰۰ نفر برگزار میشد پلیس سعی کرد که عمارهای تظاهرکنندگان را از آنان بگیرد اما زنان کارگر مقاومت ورزیدند و سرانجام با وساطت معاونین سوسیالیست پارلمان از خونریزی جلوگیری کرد.

در سال ۱۹۱۲ روز بین المللی زنان به هدم مارس انتقال یافت و از آن سال بعد این روز بعنوان روز جهانی زن در تاریخ خلقهای جهان ثبت گردید.



۸ مارس

در ۸ مارس ۱۹۱۲ زنان کارگر روس برای اولین بار روز جهانی زن را جشن گرفتند. پروادا برای این روز شماره مخصوص انتشار داد و به تمام زنان کارگر سرود فرستاد و درودشان را به ملوف پروولناریای مبارزه جو نهضت گفت اقدام بلشویکها در مورد کار بین زنان بلشوی موفقیّت آمیز بود که بلشویکها به پیشنهاد لنین تصمیم به انتشار روزنامه‌ای مخصوص برای زنان کارگر را گرفتند. این مجله "زن کارگر" نامیده شد. اولین شماره این مجله در روز جهانی زنان در سال ۱۹۱۸ انتشار یافت. این مجله نقش مهمی در بسیج زنان و جلب آنها به حزب بلشویک داشت قبل از برگزاری این روز تمامی اعضای شورای نویسندگان مجله به آشنای بکاتر، توسط پلیس تزاری دستگیر شدند. در روز هفتم مارس سال ۱۹۱۸ تنها عضو آزاد شورای نویسندگان مجله "زن کارگر" آنالیزار ووا خواهر لنین و نخستین شماره مجله را به تنهایی انتشار داد و زنان را گرد همار "حق برای برای زنان کارگر" بسیج کرد.

در سالهای ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ زنان سوسیالیست موافق بلشویکها سعی کردند روز جهانی زن را به مبارزه علیه جنک امپریالیستی تبدیل نمایند اما سوسیالیستهای عاثن به منافع طبقه کارگر آلمان و سایر کشورها مانع این کار گردیدند و در سال ۱۹۱۵ تنها در غرور تظاهراتی بمناسبت روز زن برگزار گردید. در روز هفتم مارس ۱۹۱۷ تظاهرات زنان روسی برضد جنک و تزاریسم برگزار شد. نوده ویمی از زنان زحمتکش به خیابانها ریختند تا برضد جنک و گرسنگی مرما و ... اعتراض کنند. کارگران مرد روسی با اعتصابات یکپارچه در پتروگراد از تظاهرات زنان پشتیبانی کردند. مجموعه این حرکات به تظاهرات سیاسی پرشوری علیه تزاریسم مبدل شد. این روز در تاریخ روسیه هر روزی فراموش نشدنی است. انقلاب نور به در این روز آغاز شد. روزنامه پروادا "بیک هلدت بعد در مقاله‌ای با عنوان "روز بزرگ" چنین نوشت: "اولین روز انقلاب روز زنان است و افتخار بر زنان باد و افتخار به این روز جهانی باد و افتخار بر زنانی که در روز خود به خیابانها و پتروگراد گام نهادند."

پیروزی انقلاب اکتبر در مبارزات پرشوری پروولناریای دوران ساز، پیروزی از برای هرمان را وادار کرد که بتدریج در کشورها و مختلف سرمایه داری به زنان کارگر حق رای اعلا کنند.

جنبش زنان در ایران پس از انقلاب مشروطه و پیروزی انقلاب کبیر اکتبر طی سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۹ گسترش یافت. در این سالها جمعیتهای گوناگون برای کسب حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در نقاط مختلف ایران تشکیل شد. در سال ۱۹۲۲ (۱۳۰۰ شمسی) جمعیتی بنام "بیک سعادت" در کیلا (رشت) با انتشار مجله "بیک سعادت نسوان" اعلام موجودیت نمود. هفتم مارس روز جهانی زن برای اولین بار در ایران به دعوت این جمعیت جشن گرفته شد. مقارن همین ایام بمناسبت روز جهانی زن جمعیت دیگری بنام "نسوان وطن خواه" برای اولین بار نمایشنامه‌ای افشاگرانه و اعتراضی بر علیه ستمکندگی زن بر روی صحنه آورد. این نمایشنامه که بهتر قربانی نام داشت به کمک میرزاده عدقی متاعر آزادیخواه و حامی جنبش زنان ایران تهیه و اجرا گردید.

بعد از استقرار حکومت رضا شاه تمام مجامع مبارز و مترقی زنان سرکوب و منحل گردیدند. پس از سقوط رضا شاه مبارزات زنان با شکل گرفتن مجدد سازمان دمکراتیک زنان ایران "روز جهانی زن" را جشن گرفتند.

در طی دوران رژیم وابسته به امپریالیسم شاه عاثن جنبش زنان و انجمنهای زنان یگانه سرکوب گردید و بجای آن سازمانهای زنان مصنوعی تشکیل شد و روز جهانی زن از هفتم مارس (۱۷ اسفند) به ۱۷ دی تغییر یافت.

بدنبال سرنگونی رژیم ضدینوری شاه، جنبش زنان مجال شکوفائی و باروری یافت. اولین مراسم بزرگداشت هفتم مارس در "بهار آزادی" ایران همراه با تظاهرات وسیع و با شکوه زنان در دانشگاه تهران برگزار گردید. این روز در عین حال حرکت اعتراضی ویمی بود بر علیه سیاستهای ضددمکراتیک جمهوری اسلامی و نظیر حجاب اجباری، قوانین ارتجاعی اسلامی در مورد ازدواج و طلاق و ... که از بسرد بسیار ویمی برخوردار بود. بعد از استقرار

علل عقب ماندگی زن

در جوامع اندراکی اولیه که وسایل تولید به همگی افراد قبیله یا طایفه تعلق داشت و کلیه افراد بیگان از مزایای اجتماعی بهره می بردند حتی در آن دوران به دلیل اینکه زنان به کار کشاورزی و مید انگال داشتند که نسبت به مردان که برای شکار ناچار به رفتن به جنگلها بودند راه سلطنت تری برای تهیه غذا بوده و تسلط بیشتری بر روابط اجتماعی آن دوران داشتند . اما اثر رشد تولیدات و نیروهای مولد آنها رفته رفته بیشتر از نیاز خود توانستند تولید کنند بدگلی که دیگر لازم نبود مردان برای تولید ما بحتاج به راههای دور با سرنوشت نامعلوم تن دهند لذا مردان اندک اندک به خاطر تلو در تولید در جامعه نیز برتری یافته زنان به انسانهای درجه دوم و رفته رفته پست تر تبدیل شدند و در محدوده کارخانگی محبوس گشتند و به برده تبدیل شدند قبل از آنکه بردگان پدیدار شوند در نتیجه با پیدایش مالکیت عمومی بر وسایل تولید و پیدایش طبقات و جامعه پدرسالاری مقام زن تنزل یافت .

" با پیدایش خانواده پدر سالاری وضع تغییر یافت . اداره امور خانه صلت اجتماعی و عمومی خود را از دست داد و به یک خدمت عمومی بدل گشت ه زن نخستین خادم خانگی شد . (انگلیس - مندا خانواده ، مالکیت عمومی ، دولت - ص ۹۱)

مولعیت پست و غوار زن در خانه و اجتماع و دور افتاد نشی از کار اجتماعی باعث شد که موقعیت لکری و آگاهی زن در همان چهارچوب تنگ خانه محدود بماند و در زبر فرهنگ پدرسالاری فرهنگ عقب مانده و پوسیده هرچه بیشتر فست به گریبان زنان گردید . این وضعیت زنان در طول تاریخ در تمام نظامهای طبقاتی برده داری ، فئودالی و سرمایه داری ادامه یافت . با پدید آمدن تولید صنعتی بزرگ و پدیدار شدن نظام سرمایه داری و نیاز هرچه بیشتر سرمایه داری به نیروی کار ارزان سبب گردید که زنان جدا پا بر عرصه تولید اجتماعی بگذارند . در سرمایه داری از کار زنان در کارهای ظریف و طاقت فرسا که نیازی به نیروی بازو نباشد جدا نازلترین سطح دستمزد بهره می گیرند و همواره زنان را در مقابل مردان کارگر قرار داده و نیروی عظیمی از زنان کارگر را در پشت درهای کارخانه گذاشته تا در هر اعتراض کارگری برای بالا بردن دستمزد و شرایط بهتر کار ، از آنان استفاده جوید و بدین وسیله نیز سطح دستمزد را همواره در سطحی بسیار پایین نگهدارد . در واقع زنان در سرمایه داری به عنوان "ارشد ذخیره کار" هستند . زنان کارگر علاوه بر کار در کارخانجات و شرکتها در تولید اجتماعی مجبور به انجام کارهای تحمیلی کننده و طاقت فرسای خانگی نیز می باشند . بدین جهت در عرصه تولید زبر دست و استثمار جدید از جانب سرمایه داران می باشند و در عرصه اجتماعی نیز از حقوق اجتماعی برابر با مردان برخوردار نیستند و از طرف دیگر در خانه زبر دست فرهنگ پوسیده پدرسالاری می باشند بدین صورت است که در نظام سرمایه داری بهرعلات ظاهر پرهیاهو و تبلیغات ترویجی در مورد آزادی زنان و ... زنان زبر دستترین فشار و استثمار و دست مضاعف (دوگانه) قرار دارند .

" نیمه مولد تری تحت رژیم سرمایه داری بطور مضاعف - تم میبرد . زنان کارگر و دهقان به وسیله سرمایه - تم می بینند . اما در عین حال اولاً از بعضی حقوق بدلیل نابرابری قانونی با مردان محرومند و ثانیاً ... آنان در انقباض خانه بوده و بصورت بردگان خانگی باقی میمانند . زیرا کار پرزحمت و بسیار پست و کمردکن و تحمیلی کننده آسیرخانه و خانه افرادی خانواده را متحمل میشوند . " (لنین - روز جهانی زنان کارگر)

تم و استثمار و تحمیلی که بر زن طی تاریخ در جوامع طبقاتی روا رفته باعث گردید که جنبشهای زنان رشد یافته تا راهی به رهائی بیابند ، با رشد سرمایه داری و تحت این نظام جنبشهای زنان





مارس روز جهانی زن گرامی باد

کسبه زمار

واحد به خاکبازان مبارزان هر یکهای جهانی علی ابرار - پستان و بلوچستان
۱۲ مارچ ۱۹۸۰ - ۱۲ مارچ ۱۹۸۰

علی

برای اعطای حقوق خود، برای بست آوردن آزادیهای اجتماعی، برای رهایی از زیر یوغ استثمار کننده و - تم مضاعف پیچود آمد - جنبش زنان کارگر ملی روند این جنبشها از جنبش زنان مرده و بورژوا جدا گردید و با از بین رفتن رسالت بورژوازی و تسلط امپریالیسم، با جنبشهای سوسیالیستی برای رهایی تمام طبقه و بشریت از یوغ استثمار نظام سرمایه داری و جامعه طبقاتی عجیب گردید و پیروزی آن برگرد رهایی کل طبقه فرار گرفت. و رهایی زنان بلور همه جانبهای با از بین رفتن نظم طبقاتی و طبقات گره خورد و بقول لنین رهبر پرولتاریای جهانی :

- مبارزه برای نفی سرمایه داری و مالکیت خصوصی بر زمین، کارگاهها و کارخانهها
 - مباحثه این است و تنها همین است که راه آزادی کامل و واقعی زن را باز می نماید
 - آزادی واقعی زن تنها با کمونیسم امکان پذیر است . . .
- (لنین - مباحثه با کلارا زتکین)

همانگونه که با دور افتادن زن از کار تولیدی و محور گشتن وی بر چهارچوب کار خفیه خانگی، موجب گردید که به موجودی پست و زیر سلطه مرد بدل گردیده با ورود مجدد زن به کار تولیدی و اجتماعی و رها شدن وی از زیر کار ملامت فرمای خانگی از طریق ایجاد مهدکودکها، منیر عوارگاهها، سالنهای غذاخوری و رختشویخانههای عمومی می تواند دوباره رهایی خود را باز یابد .

- آزادی زنان آنوقت میسر خواهد شد که زن بتواند در تولید هر یک سطح وسیع اجتماعی شرکت کند، کارهای خانه جز قسمت خیر قابل توجهی از وقت او را نگیرد . این نقطه بوسیله صنعت تر مقیاس بزرگ ممکن گشته است، که نه تنها فقط اجازه استخدام نیروی کار زنان را بلور وسیع میدهد بلکه جداً طالب آنست و بر آنجهت است که بکار خصوصی خانه با تبدیل بیشتر و بیشتر آن بیک صنعت عمومی پایان دهد . . .

(انگلس - منشا خانواده، مالکیت خصوصی، دولت)

نقش زنان در انقلابات و دستاوردهای آن

نقش زنان در جنبشهای آزادیبخش در جوامع سرمایه داری برای اعاده حقوق اولیه خود که در تمامی جوامع طبقاتی تاکنون پایمال شده است برهنوی چشمگیر خود را نمایان ساخته و تولید سرمایه داری برپایه بهره کتی از کارمزدوری و استثمار زحمتکشان یا برجاست. این جوامع با حفظ بقایای فرهنگ لیبرالیستی پینین و با استثمار هرچه بیشتر کارگران و زحمتکشان و بویژه ابتدای ستم با عفت بر زنان بر زمینهای نابرابری جنسی متخاص می شود این ستم بر زنان که در ساخت اقتصادی - اجتماعی جامعه نهفته است، اگرچه از طریق دیگرگونی کامل نظام اجتماعی میر است اما بدون مبارزه متشکل همه جانبه و همگانی و سازمان یافته زنان نمیتوان به این اهداف جامعه عمل پوشاند نباید فراموش کرد که تغییر زیربنای اقتصادی و نابودی سرمایه داری و برقراری سوسیالیزم اگرچه شرط لازم اما کافی برای تحقق امر رهائی زنان و برابری کامل موقعیت اجتماعی زن و مرد نمیباشد، زیرا تغییر افکار متین معادلات و بطور کلی فرهنگ مردسالارانه بطور مکانیکی و به محض تغییرات اقتصادی حاصل نمیشود از همین رو مبارزات دمکراتیک زنان تاکنون در ایما و گوناگون شکل گرفته است و زنان توانسته اند در طی این مبارزات دستاوردهای درخشانی بدست آورند. از جمله مبارزات زنان در زمان کارگر ساجی آمریکا که طی تظاهرات عظیمی در نیویورک خواهان پایان دادن به قوانین غیر انسانی دوازده ساعت کار روزانه برای زنان و کودکان و تخلیل ساعت کار در هفته و بدست آوردن حق رای زنان مطرح گردید که مورد استقبال سایر زنان انقلابی جهان قرار گرفت و آنان را مجبور کرد که حق رای زنان را به رسمیت بشناسند. چنانکه در سال بعد در کنفرانس بین المللی زنان انقلابی در کپنهاگ به پیشنهاد کلارا زتکین این رزمنده عسکی ناپذیر و تشویقیین انقلابی جهان که از چهره های درخشان سوسیال دمکراسی آلمان بود این روز به عنوان روز جهانی زنان زحمتکش نامگذاری شد. با این هدف که بتواند زنان را برای مبارزه برضد حکومت سرمایه داری و برضد نظام پسرانلاری برای رسیدن به سوسیالیزم بسیج نماید. طی این مبارزات زنان آلمان به رهبری کلارا زتکین در روزالوکر امبورک ولیدکنند فرانسی و یکرینگ و با بر توانند تغییرات عظیمی در شرایط زندگی زنان آلمان بوجود آورند چنانکه

در حال حاضر در جمهوری دمکراتیک آلمان ۱۶۵ نماینده از ۵۰۰ نماینده یعنی ۳۵٪ کل نمایندگان زن میباشد (آمار سال ۱۹۷۵) و بطور کلی ۳۵٪ عاقلین امور را زنان تشکیل میدهند از شاگردانیکه در حرفه های گوناگون تحصیل میدمایند ۳۵٪ آنها زن هستند بجز از ۳۵٪ دانشجویان مدارس عالی تکنیکسی زن میباشد و ۳۵٪ دانشجویان دانشگاهها ه از مد نفر زن که کار می کنند ۳۵٪ آموزش حرفه ای کامل دارند از آمار چنین برمی آید همه زنانی که به چنین آموزشی من پردازند و دست یافته اند هتتها در طی سالهای بعد از پیروزی جمهوری دمکراتیک بوده است. با در کشور پیروزمند دیگری همچون ویتنام که قبلاً از پیروزی انقلاب زنان در زیر بدترین شرایط و عقاید پوسیده قرون وسطائی قرار داشتند آنان از ابتدائی ترین حقوق خود محروم بودند چنانکه در زمین کودکی اجباراً بنا به صلحت قوم و طایفه آنان را به همسری پسر مردان برمی آوردند. زنان در بستر مبارزه طبقاتی توانستند تغییرات چشمگیری در موقعیت مادی و سیاسی خود بوجود آورند. با پیروزی انقلاب توانستند در جهت اجتماعی نمودن کارخانگی همرا - نسبت از فرزندان و تغییر در سببم کار اجتماعی گامهای موثری بردارند. به تازگی انقلابی آنان از فوه به فعل برآید و آنان توانسته اند همپای مردان خود در جنگهای چریکی شرکت فعال داشته و همچون رفیق نگوشین دین که بعد از مبارزات دلاورانه امر در قیام (سن تیر ۱۹۱۰) به معاونت فرماندهی کل ارتش آزادیبخش ارتقا یافت. طبق آمار موجود نقش نظامی زنان در ویتنام در صد بالائی را تشکیل میداده است. در کلیه متاعل اجتماعی دیگر زنان توانستند در صد بالایی را به خود اختصاص دهند و در تصمیم گیریهای سیاسی - اقتصادی و اجتماعی جامعه شرکت کنند.

و. مللا از سرمانه ملل مارمان پرېنگيا و عدالتی ملو ایران .

لغو هرگونه تبعیض برپایه جنسیت و رعایت کامل حقوق اجتماعی زنان

- هیچ انسانی بدون مساوی و پندنیاسی و حرکت تنظیم زنان به کسی از اصالی جامعه را ندانند
- بجهت به پیروزی ملی جامعه بجهت و هیچ دیگران بدون روح نسبی های انسانی - اجتماعی
- هرکس بر مورد زنان پایدار مشاهده نماید - سنا بر این
- زنان باید از حقوق انسانی برابر با مردان برخوردار باشند - هرگونه - هم و نسبی بر پایه
- سیستمی جامعه به .
- زنان باید آزادی در تمام فعالیت های سیاسی - اجتماعی و هرکس حرکت کند .
- تمام قوانین اجتماعی بر مبنای مساواته نظیر مساواته بگانه باشد - در جات و همه باشد
- کم بود .
- هرگاه - مساوات اصاری که اسرار عدالت و هم بر زنان - نسبی بود .
- زنان باید بر اول کار مساوی با مردان از ملو و بر پای کابل و سایر شهلات چون بهر حوازا .
- به کودکان و رسیدگی به کودکان بر ملل کار و ... برخوردار باشند .

گفته زنان وابسته به ادکیلات مواد را
سازمان پرېنگيا و عدالتی ملو ایران - سنا و بلوچستان
۱ مارس ۱۹۴۵ - ۱۷ اکتبر ۱۹۴۷

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک

خلفهای ایران

۸ مارس ..

رژیم ددمنش و کتیف و فزون و سلانی جمهوری اسلامی
همراه با تعرض به تمامی مواضع انقلاب به حقوق انسانی و دمکراتیک بوده های زحمتکش به با سرکوب نیرو
های انقلابی به سازمان های دمکراتیک زنان به جنبش انقلابی - دمکراتیک زنان به و جنبه نه ترین وجه پیور
برده شد . امسال هشت مارس روز جهانی کارگر را در عراقی گرامی میداریم که علی رغم سرکوب ددمنشانه
رژیم جنبش زنان به شکلهای گوناگون بر سطح جامعه ادامه یافته است و نمونه های بارز آن زندانی های
ملو از زنان غیردل و مبارز و انقلابی است که روزانه بر زیر شکنجه های دیوانه وار مزدوران رژیم
حماسه می آفرینند و لب از لب نمی گنایند و تعداد کثیر اعدایان زن نشانی از حضور فعالانه و دلورانه
زنان در جنبش انقلابی می باشد و اعتراضات زنان زحمتکش بر ایما گوناگون در سطح های گوشت و پیرو نشسته
و ... در حرکات اعتراضی انگریز و جوادیه و میدان نوش و ... می رود تا همپای انقلاب خلفهای نعت - تم
و رنج کننده کشورمان وارد مرحله نویسی گردد .

این روز تاریخی بر همه زنان مبارز و زحمتکش گرامی باد



وضعیت زنان در جمهوری اسلامی

در تاریخ کهن ایران که همواره با -تم مرد سالاری بر زنان همراه بوده است مرکز به جنبش خاص و مستقل برای احقاق حقوق زنان بر نمی خیزیم و تا طلوع انقلاب مشروطیت به مسئله زنان بشکلی اساسی و جدی برخوردی نشده است. علت این امر واضح و روشن است زیرا که رسالت کفالت زنان و کودکان بسبب بازار کار و به خدمت گرفتن نیروی کار ارزان آنان بشکل گسترده تنها در حیطه قدرت بورژوازیست و با ظهور این فرمایشون اقتصادی - اجتماعی شمار برابری زنان با مردان نیز در ابعاد وسیع مطرح شده و در مقابل ارتجاع مذهبی و فئودالیسم تعظیم می کند. اگرچه با گذاشتن هر قدم به جلو در تولید وضعیت طبقاتی استثمار عده بدتر عده و در واقع در شرایط زندگی زحمتکشان یک قدم به عقب محبوب می شود اما ضرورت های عینی و ذهنی برآمده از چنین پیشرفت های قدم های بلندی به سوی سطوح و سوانجام است آوردن آزادی واقعی و برابری بمعنای حقیقی آن است به همین خاطر شمار برابری زنان با مردان همچون شمار آزادی برابری و برابری که ره آورد بورژوازی بود بلحاظ محتوی طبقاتی جامعه سرمایه دار همچون دیگر مظاهر فریبنده و سالیوس بورژوازی پوک و میان تنی از آب درآمد. یعنی که روشن شد در جامعه سرمایه داری برابری برابری میان کارگر و کارفرما تنها یک حیل است آنچنانکه در حیطه برابری زن با مرد چنین بود. بورژوازی بزنان می گوید آزادند که چون مردان کارگر نیروی کار خود را بفروشند و به کالا بدل شوند. آزادند که با حفظ کارخانگی به استثمار سرمایه داران برآیند و در عمل آساز را برای عکس تن دستمزد در بازار و پانین نگهداشتن سطح مزد به بازار فرا می تواند آنان را بسبب طاقت فرساترین کارها می گمارد اما در مقابل آنان را متذکر کرده ضرورتاً اجتماعاً مورد استثمار قرار میدهد و چنانکه کارگران را در رابطه ای نزدیک با هم قرار میدهد زنان را نیز از خانه ها به دور آورده ضمن حفظ کارخانگی آنان و اختصاص آن به زنان آنان را بزیر مهمیز می کشد. به همین خاطر شمار برابری زن با مرد را میدهد. عمارتی که در محدوده بازار کار مدافع سرخست است و در عمل نیز می بینیم بسا ظهور انقلاب بورژوازمکراتیک مشروطیت برای اولین بار به مسئله زنان بهائش جدی داده میشود و در نتیجه ان این طبقه توانسته صرف نظر از اهداف بورژوازی به مسئله زنان بشکلی جدی برخورد می کنند. -تنی کشیدگی زن و تعلیم تاریخی او مورد نظر جدی تر قرار میگیرد و یکی از مظاهر تجدید و نوجوشی بر می خورد به مسئله زنان محبوب میشود همزمان با زیر ضرب قرار دادن فرهنگ و روابط اقتصادی - اجتماعی فئودالیسم جنبش زنان نیز شکل می گیرد و زنان مبارز همپای مردان خود اگرچه بشکلی ضعیف تر اما بسا بهائش در تاریخ ایران مبارزه می کنند تمامی حرکات مساوات طلبانه زنان قبل از انقلاب مشروطیت در بطور جنبش های ضد فئودالی یا ضد مذهب حاکم تبلور یافته است و در طول تاریخ اگرچه زنان نهرمانی پائین آمده اند که بست به کارهای حمله وار و حتی رهبری حرکات اعتراضی زده اند اما مرکز جنبش مستقل زنان در طول تاریخ ایران وجود نداشته است و آنان نتوانسته اند تکامل دمکراتیک خاص خود را بنحوی جدید و موثر سازمان دهند. با ناکام ماندن انقلاب مشروطیت جنبش زنان نیز چون دیگر بخش های جنبش انقلابی به هیچیک از خواسته های خود نرسید و همچنان در زیر فشار ارتجاع مذهبی و فئودالیسم عقب ماند. با ظهور دوران تکبیت بار پهلوی و نیاز روز افزون امپریالیسم به نیروی کار ارزان زنان مرغان فلسف به خواست امپریالیسم زنان را بزور سربزه وارد بازار کار کرد و "پای برداری" را آغاز نمود و کاریکاتوری از آزادی زن را بنمایند گذاشت پس از و فرم ارض و نفوس سرمایه داری وابسته





وضعیت زنان

و برخی رفرمهای اقتصادی - اجتماعی برای تحصیل توده‌ها، مسئله زنان نیز دوباره بشکلی بوروکراتیک و از بالا مورد توجه بیشتر قرار گرفت و پاره‌ای اصلاحات بوروکراتیک در وضعیت زنان ایجاد شد. فرسرمایه - داری وابسته وضعیت زنان همانطور که سرمایه‌داری در کل عمل می‌کند بنحوی بارز و بسیار بدتر و فلاکت‌بارتر است. در سراسر این دوران به خاطر ضعف جنبش مستقل زنان و عدم تدکل و ضعف پرولتاریا که رسالت انقلابات دمکراتیک طراز نوین را دارد و هر تارک دوران بسته است حتی از جنبش مستقل و احقاق حقوق و مبارزه خاص زنان بسیار کم همیان آمده است البته این بدان معنا نیست که زنان در مبارزه

سراسری و مبارزات توده‌های مردم نقش فداکارانه اند و اهمیت اینست که در انقلاب مبروولیت و پیام پرده‌کوه بهمن ماه ۵۷ زنان به‌عینه نشان دادند که چه نقش عظیمی در تحولات جامعه و چه پتانسیل بالایی از مبارزه را در اختیار خود دارند و این کلام داهیانه رهبر کبیر پرولتاریا که "هیچ جنبش انقلابی بدون حرکت زنان به پیروزی نخواهد رسید" را اثبات کرده و می‌کنند.

با چنین گذشته‌ای و در چنین شرایطی جلاد توده‌ها و دشمن آزادیهای دمکراتیک و جنبش مرتجع به حاکمیت می‌رسد و بر راس حکومت سرمایه‌داری وابسته ایران می‌نشیند او تلفیقی از ارتجاع کهن مذهبی با دیکتاتورهای غربی و سرمایه‌داری وابسته است معمولی که از او هیولائی تاریخی ساخته و به‌عنوان عقب مانده‌ترین بخش سرمایه در حیطه اقتصادی - اجتماعی عمل می‌کند. هر سبب نیست که همراه با سلب همه آزادیها و برآمده از پیام شکوه‌مند خلق همان مختصر دست‌آوردهای زنان را نیز از آنان می‌دبایند و زنان هنوز از زیر بار اجتماعات شاه ساخته بنام زنان همچون "سازمان زنان" و دیگر ضحائم "رستاخیزی" آن آورده نشده بودند که تشکلهای فرمایشی و منح‌شده‌ای بنام خواهران حزب الله و زینب و ... ایجاد شد. عقب مانده‌ترین و منح‌شده‌ترین زنان را در خود مجتمع کرد زنانی که بر علیه حقوق اجتماعی خود وارد صحره می‌شوند و اندک اندک و گاه بیکباره به پاری حکومت هر آنچه که در طول تاریخ ضرورتاً حق مسلم زنان فرخ‌شده نیز از خود و دیگران سلب می‌کنند. در این رابطه امروز جمهوری اسلامی قدمهای سر بهمی به عقب برمی‌دارد حق طلق را از زنان سلب می‌کند. تعدد زوجات و سیخه و فحشاء عمومی را متداول می‌کند. در جمهوری تبار عقب مانده زنان حق تفاوت ندارند و حجاب اجباری قلدر دیگری چون رضاخان را تبسم می‌کند که با سر نپژه چادرها را برداشت و غمینی با سر نپژه چادرها را سر زنان می‌کند. لایحه قصاصی و محروم نمودن زنان از بسیاری متاعل. آنان را به‌عنوان نصف مرد حساب کردن در عبادت و وقاحت را تا جایی رساندن که حتی اگر جلوی چشمان چندین زن قتل صورت بگیرد آنان نمی‌توانند عبادت دهند و لغو دادگاههای خانواده که در ظاهر تا حدودی حقوق زن را در خانواده در نظر می‌گرفت. همچنین بارساندن سن ازدواج رسمی به ۱۳ سالگی و در عمل گاه بسیار پایین‌تر از این سن تا نه سالگی محدود نمودن مهد کودکی در ادارات و کارخانهات و انحصار بسیاری از آنها، اجراج با پاکسازی وسیع زنان (جنسی بجرم خائل بودن شوهرانشان) عدم حق انتخاب شدن بعنوان رئیس جمهور و دیگر مقامات عداپت او به پست‌و‌مکانها و حر سراها و فرار دادن خانه‌داری بعنوان وظیفه مهم او و در عمل خانه نشین کردن زنان تبارز به دختران و زنان زندانی تحت عنوان اسلامی "اسیر عربی" و ... ماهیت طبیفه حاکمه مذهبی ایران را بنمایش می‌گذارد و پلییدی اخلاقی و ستمگری اقتصادی و انحطاط بی حد و مرز رژیم حاکم تاخانی است که زهد فروشی و ریاکاری و واسطگی بعنوان خمیمه بارز در طبیفه حاکم و وابستگان آن عمومیت مست مدتر کشفده‌ای یافته است و کسانی که تبارز جنس بعنوان عمل رایج و قانونی آنها محسوب می‌شود صنف



وضعیت زنان

زنان و مردان را تحت عنوان حفظ اهلای اسلامی جدا کرده حتی انبوسها را زنانه مردانه می‌کنند و چنین کسانی که بدنهای زنان مبارز را لعنت و عور بزیر اهلای می‌کنند و پاسداران عربی خود را به عار محترم بچه‌گان زندانی می‌افکنند زنان را بجرم پیدا بودن مو از کار اخراج می‌کنند .

اینها گونه‌ای از جنایات رژیم کنونی ایران است که علاوه بر کشتار و مخفان و بی‌خانمانی و فقر و جباهی که در سراسر ایران و برای همه توده‌های مردم تدارک دیده است بر حق زنان اعمال می‌کنند و این هم منافع در حق زنان که تاریخاً وجود داشته است و امروز به نحو بارزی تحلی پیدا کرده است و یادآور سخت‌ترین دوران زندگی زنان در تاریخ ایران است بلیه ضرورت مبارزه دمکراتیک زنان را هر چه بیشتر نشان داده و مشکل مستقل آنان را ایجاب می‌کند تعدکی که در نبود آن مبارزات خودمختاری زنان بی‌اثر و مایه سوء استفاده خدا انقلابیون سلطنت طلب و به معنای فرار گرفته و خواهد گرفت . ناکید بر مسئله زنان بمعنای جدا کردن آنان از مبارزه طبقاتی نیست بلکه بمعنای ناکید بر مبارزات دمکراتیک انسان است آنان باید در مبارزه طبقاتی شرکت داشته در راستای سرنگونی رژیم حاکم و نحو امپریالیسم و حاکمیت طبقه کارگر و زحمتکشان ایران حرکت کنند . امروزه مبارزات زنان در بطن مبارزات توده‌ها از پیشانی بالائی برخوردار است اما مهر و نشان جنبش مستقل و دمکراتیک زنان را ندارد .

وجود هزاران زن زندانی بر زیر سیاه‌ترین شکنجه‌ها و همپای مردان در بطن مبارزات ترونی جامعه و از همه بالاتر در صف پیروان طبقه کارگر وجود هزاران زن فدائی و دیگر گروه‌های سیاسی انقلابی نشان میدهد که زنان در مبارزه بشکلی وسیع حضور دارند و داشته‌اند تنها آنچه که باعث شده انپیری از مبارزات مستقل آنان به چشم نخورد بطور کلی بها ندادن نیروها و انقلابی در عمل به مشکل مستقل زنان و ضعف پرولتاریا در تعدکی و ... بوده است که خود را در همه عرصه‌ها نشان داده است .

میلاد و جو منظمی حاکم که همیشه توجیهی برای خانه‌نشینی زنان در طول تاریخ بوده است و که آسینده با عرفات و بنیاد رباکارانه خود همیشه مبارزین را به اتهام‌های ردیفانه و تروغین منظم ساخته است و بمنابه سد جلوی انقلابات و اعتراضات بر علیه طبقه زحمتگر تاکنون تدفلم کرده است و بهره‌گیری از منظم و عرفات برای کوبیدن انقلابیون و بویژه زنان عیوه غالب طبقه حاکم بوده است چنانکه مزدکیان را به جرم اعتراک اموال منظم به اعتراک زنان نیز نمودند و هر وقت که مبارزی از مالکیت اعتراکی سخن می‌گوید این مرتجعین چون زنان را از اموال خود می‌دانند فریاد می‌زنند که زنان را هم می‌خواهند اعتراکی کنند و لنگ بر آنان که چنین شتمکاری خود را توجیه می‌کنند و آزادی را که حق زنان است لوث کرده چنین پست و انمود می‌کنند اما مبارزه زنان ادامه دارد همپای دیگر بخش‌های مبارزه به پیش خواهد رفت . با در هم کوبیدن این ضلعها راه مبارزه زنان را هموار باید کرده بسا درس‌گیری از لیام یمن ماه معوراها و فالیبافان ترکمن صحرا زنان مبارز کرد و حرکات مستقل زنان در الحریه و نظام آباد اگرچه نام جنبش مستقل زنان را هنوز نگرفته اما زمینه‌های مادی برای چنین شکلی است که در رابطه با طبقه کارگر چنین تعدکاتی ایجاد خود همپای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فریاد می‌زنند زنان در هر کجا که هستند از کارخانه و مزرعه و اداره و مغازه شهر و روستا دوستانه مردان رزم طبقاتی خود را تدارک بخندند . با تعدک‌هتتهائی از مبارزترین و آگاهترین افراد ضمن کوشش بر راه سرنگونی رژیم تبلیغ وسیع هر شد چاه‌های ارتجاعی را سازمان دهند . این طبقه بدوی زنان پیرو و همه کارگران و زحمتکشان و مبارزین آگاه و نیروهای انقلابی و کمونیست است .

رفقا! زنان مبارز و آگاه!

برنامه عمل سازمان را الگوی تبلیغات خود در میان زنان زحمتکش قرار دهید . برای آنان بازگو

نیز خصوصیات فیزیکی کب کرده اند که روابط قبیله‌ای را تا حدودی فراهم کرده است . ازدواجهای ترون گروهی ضربه دیده است . دختران بفرجه میروند و در پاره‌ای موارد در اداره‌جات دولتی دخل اختیار می‌کنند و بسا شوهران خود بر سر اداره امور خانواده و دخل و تصرف در اموال و املاک به عور یا نیز می‌برنازند . در این روابط و مناسبات زن کاملاً به خانه وابسته می‌شود و از کار روی زمین و دامداری بکلی بکنار گذاشته می‌شود . گرچه در میان زنان عنابر و روستائی هکار بیختر و فخراری خانه و دامها و طیور و حمیر باقی جاذبه‌ای برای مرد بود با ما وقتی که برای زنان خرده‌بورژوازی شهری این امکانات از بین رفته است زیبایی و تجملات و زرق و برق آنها هم بیرونی خرده‌بورژوازی رواج بیختری یافته است . طلا و جواهرآلات لباسهای زیبا و رنگارنگ پتهائی عده‌اند که بر اذهان زنان این قشر حکومت میکنند . از سویی دیگر زن اختیار کردن برای مردان با مشکلات فراوانی روبرو است . منارج ازدواج و مهریه و غیره با فزون العاده بالا رفته است و مردان امکان کمتری می‌یابند تا دو زن اختیار کنند . در مناسبات عیمرتی و روستائی اختیار دو زن از سوی مرد چندان دشوار نبوده و منارج فراوانی را بربر ندارد . در پیرو مردانی را می‌بینیم که دختران جوانی را بازواج فرمی آورند و گاهی يك مرد در يك لحظه سه زن را با نظیاد خود در آورده است . اما در مناسبات شهری ، اغلب ازدواجها با تفاوتی خیلی جزئی انجام می‌گیرد و بعلت بالا رفتن آگاهی و دشوار شدن نگهداری دو زن از نظر اقتصادی مردان ترجیح می‌دهند هتك عسری را ادامه دهند .

مردان خرده بورژوازی شهری در لرستان دختران خود بفرجه تمصب کمتری نشان می‌دهند از اینرو برمدی از دختران شهری با سواد می‌یابند .

۳- زنان برده

ملا اینقبایل و خانواده‌های ممتازی در بلوچستان که از نظر اقتصادی برتر و ثروت بقیه در صفا ۱۵

مردم هستند آنها نمیتوانند بدون اجازه مرد برای خرید و فروش و آنچه‌ی که مالکیت را زیر سؤال می‌برد و بزن نیز حقی می‌دهند اقدام بکنند . در اینجا نیز مرد نان آور خانه قلمداد عده و زحمات زن بحساب نمی‌آیند . بعلت اینکه مناسبات حقوقی روستائی هنوز در چهارچوب روپنای حقوقی قبیله‌های می‌یابند و جمعیت روستاها نیز به تباصل و زاده‌ها تقسیم می‌شود زنان عنابر و زنان روستائی در بهره‌مندی از حقوقی مشابه هستند . ازدواجها ترون گروهی بوده و این مردان هستند که برای پسران خود زن اختیار میکنند . در اینجا حل انتخاب فقط متعلق به مردان یعنی پسر، برادر معمو و بزرگ قبیله داماد می‌یابند . نزدیکان دختر که با اصلاح مالکان وی می‌یابند . در انتخاب خواستگار آزاد هستند و معمولاً اولین خواستگار موفقی خواهد بود . در مناسبات ترون گروهی ازدواج پسر معمر و دختر معمر و فرزندان خوبستان و وابستگان مرحوم است . دختران بهیچ رو نمی‌توانند در انتخاب عسر حقی دادند بآند زنان با ازدیاد سن دارای حقوقی از نظر عصبی و مطرح بودن در خانواده و قبیله می‌گردند . زنان سن تر در کارهای خانواده نظر می‌دهند برای عور آمدگونی مهمانها می‌آیند در معاشرت با مردان قبایل و روستا آزاد هستند .

۴- زنان خرده‌بورژوازی شهری :

در اثر رشد و تامل مناسبات بورژوازی در کنور قشری از خرده‌بورژوازی نویسن در بلوچستان بوجود آمد . هر فر پی ضربه بپسندن تولید حقی در بلوچستان و هجوم بیکاران به کشورهای عربی و جدائی مردان و زنان از عیوه معیشت قبیله‌ها بر وسعت این قشر افزوده شد چنانکه امروز برمد علیحسی از جمعیت را خرده‌بورژوازی تشکیل می‌دهد . (خرده بورژوازی روستا) چون بیختر در رابطه با شهر و مناسبات بورژوازی هستند زنان آنان

تنگناهای بلوچ

زنان زحمتکار بلوچ نه تنها همانند مردان زحمتکار بلوچ از سهم مغایر و نفع میبرند بلکه از سهمی دیگر بنام سهم جنسی هم عذاب هستند. برای اینکه این سهم را برک کنیم باید وضعیت این سهم را بر رابطه با پایگاه طبقاتی زنان بررسی کرد. از اینکه کار زنان بلوچ را به گونه زیر طبقه بندی می کنیم ۱- زنان معایر زنان روستائی معافان زنان مرده بورژوازی شهری زنان ثنودالها و خوانین زنان مرده معدوم روستای پروهای مولد موجب شده است که زن بلوچ در تولید شرکت نیویسد همین دوری زن بلوچ از تولید است که وی را از نظر اقتصادی نیازمند به مرد و به برده ای در ستوی تبدیل کرده است. هرچه رهایی زن در وجه عام در سویالیزم ممکن است اما زنان در جامعه بورژوازی نسبت به دوران ثنودالی و عفاپری حقوقی دست آورده اند. زنان بلوچ هنوز در روبنای مافیل سرمایه داری زندگی کرده و حقوق آنها بر اساس روبنای حقوقی ثنودالی - عفاپری رقم زده می شود. تذکر ملط اجتماع نسبت به زنان تذکری مافیل سرمایه داری است. برای واضح شدن بهتر موضوع زنان را بر رابطه با طبقه بندی بالا بررسی می کنیم.

۱- زنان عفاپری

زن لیلیه در اثر تکرار معانات روزانه پراحتی کمتر است. معکهای آب سنگینی را تا ملحد با خود حمل کند زیرا که کلیه معدومها و پخت و پزها از این طریق تامین می شود. در این رابطه مردان وظیفه ای ندارند. نگه داری و بیماریها و بچه ها از وظیفه زنان میبایند. هر وقت بمردی بخواهند طمعه بزنند بوی میگویند برای نگهداری بچه خوب است. مواظبت از طفلها برای مردان خوش آیند نیست. دوشیدن بزها و تهیه دوغ و کدک و ربیبیدن پنم و پالتن چاق سیاه پالتن حمیرا از کار عدالت بار و روزانه زنان میبایند. حمیرا

بالی و در پارهای موارد گلیم باالی یکی دیگر از منابع درآمد خانواده بحساب میاید که توسط زنان انجام میشود. زنان معایر بلوچ پایه پای مردان و عیالی بیشتر از آنها کار میکنند. نقشیم کار در خانواده بین زن و مرد بدینصورت است که کارخانگی کلا وظیفه زنان است. بچه داری و وظیفه زنان است. پالتن حمیرا و گلیم و ... کار زنان است. دوشیدن گوسفند ان و آماده کردن برای صحرای گاهی به صحرای بردن و نگهداری از بزغالها کار زنان است. لرونی محصولات آوردن مواد اولیه حمیرا جمع آوری عیزم و خرید مایحتاج از ولایت مردان است. علاوه بر آن مرد مالک تمام دارائی خانواده و مالک زن نیز میباید.

زنان معایر عد در مد بهیواد هستند. در اثر بدی بهداشت و کمبود تغذیه و کار فوی العاده و غای بیش از دو برابر سن واقعی را نشان می دهند. آنان اکثرا زود پیر میشوند و عمرشان کم است. زن عفاپری کارهای روزمره خانواده فعلیل است و نقش بزرگی را ایفا می کند.

۲- زنان روستائی (معافان)

بعلت وابستگی روی زمین و کار مشقت بار و طاقت فرمای کشاورزی زنان بیشتر به خانه وابسته شده اند. مردان در حفر کنسات و حفر جوی و بهره برداری از آب چشمه ها و غنم زمین و نگهداری ترغلتان و سبزه ها مهارت بیشتری کسب کرده اند. و زنان به انجام کارهای خانه و نگهداری طیور و دامهای خانگی و مواظبت از بچه ها و خدمت مردان کشیده شده اند. هرچه آنان در مزرعه با مرد همکاری زیادی دارند اما کارهای مهم تر است مردان میباید. زن در جمع آوری محصول در جمع نمودن علوفه به مرد کمک میکند اما این زنان نیز از اقدام منتقل در لرونی محصولات



افتخار



مرضیه احمدی اسکوشی

من ما فرم ،
 من خواهرم ،
 من همسری مادقم
 من يك زنم ،
 زنی از معکوره های مرده جنوب ،
 زنی که از آغاز ،
 با پای برهنه ،
 دویده است سراسر خاک تف کرده ی
 دنتها را ،
 من از رویناهای کوچک شمال ،
 زنی که از آغاز ،
 در خالیزار و مزارع چای ،
 تا نهایت توان گام زده است .

من از ویرانه های دور شرق ،
 زنی که از آغاز ،
 با پای برهنه ،
 عسلرشد زمین را
 در پی قطره ای آب در نور دیده است .

زنی که از آغاز ،
 با پای برهنه ،
 همراه با گاو لافری در خرمنگاه ،
 از طلوع تا غروب ،
 از خام تا بام ،
 سنگینی رنج را لمس کرده است .

من يك زنم ،
 از ایلات آواره ی دنتها و کومها ،
 زنی که کودکان را در کوه بدبیا می آورد ،
 و بزرگ را در پهنه دنتها بست میدهد
 و به عزا می نهد ،

من يك زنم ،
 کارگری که دنتها پس ،
 ماعین عظیم کارخانه را به حرکت می آورد ،
 و هر روز ،
 توانا نشین را دندانهای چرخ ،
 ریز ریز می کنند پستی چمنانش
 زنی که از عساره ی جانس ،
 پروازش موهود لانه و خونخوار ،
 و از تباهی خونش ،
 افزونتر می شود سود سرمایه دار ،
 زنی که مرادف مطبوعش ،
 در هیچ جای فرهنگ ننگ آلود عبا
 وجود ندارد .
 که دنتها پس سپید ،
 نامش طریف ،
 که پوستش لطیف ،
 و گیوانش عطر آگین باعد .

من يك زنم ،
 با دستهایی که ،
 از تیغ پرندگی رنجها ،
 زخمها دارد ،
 زنی که قامتش از نهایت بیعمری عمارت
 هر زیر کار توان فرمای ،
 آسان شکسته است ،
 زنی که پوستش آینه‌ی آفتاب کویر است ،
 و گیوانش بوی دودش میدهد .

من زنی آزاده‌ام ،
 زنی که از آغاز ،
 با بیای و لبی و برابر خود ،
 دستها را در نور دیده است ،
 زنی که پرورده است ،
 بازوی نیرومند کارگر ،
 و دستهای پر قدرت معقان را ،
 من خود کارگرم ،
 من خود معقانم ،
 تمام قامت من نقش رنج
 و پیکرم تجسم کینه است ،
 چه بیعمرانه است که بمن میگویند ،
 رنج گرسنگی ام خیال ،
 و عربانی تنم رویا است ،

من يك زنم ،
 من يك زنم ،
 زنی که مرادف مظلومش ،
 هر هیچ جای فرهنگشك آلود عمارت
 وجود ندارد ،
 زنی که در سینه‌اش دلی ،
 آکنده از زخمهای چرکین
 خشم است ،
 زنی که در چشمانش ،
 انعکاس گلرنگ گلرنگهای آزادی
 موج میزند .

زنی که دستها را کار ،
 برای گرفتن سلاح پرورده است .



حول برنامه عمل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

متحد شویم

پیاخیزیم

جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم

جمهوری دمکراتیک خلق را مستقر سازیم

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی

علیه رژیم تبدیل کنیم

زن بلوچ ...

عود را از دست داده بود از میان رفت مایه
بر این تر جنگ و - نیزهای قبایل برای برقراری
ری صلح دختران وجه الحاحه قرار می گرفتند.
امروزه در میان معاصر هنوز این قانون عمل
می کند اما ضعیف قبل از حاکم عدین دولت
بر بلوچستان و بوجود آمدن دادگاههای دولتی
این قانون برای رفع اختلافات بعدت معطل
می گردد.

اعتبار چند همسر او یا به همسری
گزیدن يك دختر کم سن و سال از سوی يك
پیر مرد پدیده ای عادی و روزمره محسوب میگردد.
با توسعه مناسبات کالائی و بورژوائی و سخت
عدن زندگی از سویی و وضع قانون حمایت
عادی از سوی دیگر از میزان اینگونه روابط
بین زنان و مردان کاسته عد البته این مسئله

هم قبل از آنست که این حقوق ناچیز توسط
جمهوری اسلامی تاراج عود بطوریکه امروزه
زنان به آنها سال قبل کنیده عده اند خلاصه
آنکه امروزه روینای ماقبل سرمایه داری تر
مقابل توسعه مناسبات سرمایه داری نمی تواند
مقاومت چندان بکند و فرم می یابد اما
باز هم این توسعه و رفد هیچ مسئله ای از زنان
را حل نمی کند و زنان همچنان در زنجیر باقی
می ماند لفظ و لفظ تغییر انقلابی مناسبات
سرمایه داری و ماقبل سرمایه داری و جایگزینی
مناسبات پرولتری قادر است بطور کلی مسئله
زن را حل کند اما این امر ناشی آن نیست
که تر برابط سرمایه داری نیز برای دستیابی
و رفع تبعیض جنسی از زنان مبارزه نشود و
باید این مبارزه را هرچه عیدتر پیش برد.

ی اجتماعی و حق انتخاب همسر و ... نیز معروف هستند . اما آنها آنقدر رفاه و ... دارند که این نوع آزادیها برایشان تعیین کننده نیست اما بهیچ رو نسبت به سیاه و سفید نمیزنند . دارای حق مالکیت هستند مستقل می توانند برای خرید و فروش و ... اقدام کنند .

دیدگاه مردان بلوچ نسبت به زنان

دید مرد نسبت به مسئله زن دیدی است عیسوی و فئودالی که آمده به تعلیمات جدید منجبی می باشد . مرد زن را موجودی نافرمان و نصف مرد میداند هوی را وسیله ای بسسرای آسایش مرد و بچه زائیدن و نگهداری خانه و تهیه کننده خوراک میداند هر دو وقتی میزنود زن حامله ای دختر زائیده خوب سال نمیشود و گاهی که فرزندان يك مرد پس تر پس دختر میشوند او نگران است اما برای تولد پسر گولند می کنند و عادی می کنند زنی که برای عوهری پسر بزاید از احترام بیست تری برخوردار میشود هر دو بخود حق میدهد چندین زن را در فید خود بر آورد و یا يك زن را بدون کوچکترین پربدانی با چند بچه رها کند .

فرهیم پاینی مناسبات ماقبل سرمایه داری و تاثیر آن روی زنان

با توسعه و رشد مناسبات بورژوازی مناسبات تولیدی ماقبل سرمایه داری نیز ضربه دیده و تا میزان زیادی رو به انحلال است . تولید کالای همه جا ملط گشته است و این تسلط چون با تغییر انقلابی مناسبات تولیدی ماقبل سرمایه داری همراه نبوده و بصورت بطنی آرام و بصورت فرمهایی از بالا انجام گرفته است رو بنای ماقبل سرمایه داری به حیات خود ادامه داده است و هنوز تفکر غالب فریادهای موارد بخصوص فرهنك و دیدگاه روی مسئله زنان میباشد . با رشد مناسبات سرمایه داری گرچه زنان از حقوق شناخته شده بورژوازی بهره ای دربرداشتند اما پاره ای از قوانین ماقبل سرمایه داری چون ضرورت وجودی

زن بلوچ

سیاسی را در دست داده اند و از حق برده داعتن نیز برخوردار بوده اند زنان این سران قدم نیز از حق داعتن برده بهره مند بوده اند زنان برده از هیچ حقوق اجتماعی بهره مند نبوده اند ، آنان خدمتگزار صرف زنان فئودال مسئول نگهداری بچه های خوانین و سردارها مسئول آبخیزی و خدمت خانه و عسین لباس اربابان بوده اند . بزحمت میتوان برای این زنان حقوقی قائل شد لفظ فر يك جمله حالت آنان را میتوان چنین بررسی کرد از زنان برده از هیچ حقوق انسانی برخوردار نبوده و نیستند و البته امروز به وسعت وسیعی زنان و مردان برده آزاد شده اند . اما هنوز هر کجا غانی وجود دارد همچنین برده نیز دارد . هر اجتماع قبیلای و هنوز هم فر لرنك معنای قبایلی وجود دارند که از نظر نژادی پائین تر بحساب آورده میشوند و از هواج با این قبایل بدتر انجام میگیرد .

- این عماتی از حقوق و عبوه زندگی زنان رحمتكی بلوچ بود این زنان بطور کلی علی رغم اختلافات فئوری و طبقاتی در خطوطی از - تم معتزلكی میباشد و این خطوط عبارتست از :
- ۱- داعتن حق مالکیت مستقل بخیر از مهریه و ارثیه ه که آنها ترا اختیار مرد میباشد .
 - ۲- داعتن حق انتخاب همسر و داعتن حق طلاق
 - ۳- داعتن حق سر .
 - ۴- محروم بودن از بحالت بر و طایف مرد .
 - ۵- در مالکیت مردان فرار داعتن .
 - ۶- محروم بودن از معاشرت اجتماعی .
 - ۷- وابسته بودن به خانه و مسئول نگهداری بچه و انجام کارهای خانگی .

۵- زنان خوانین :

زنان خوانین در رفاه و ناز و نعمت میزیند ، آنان برای خود کنیزانی دارند که تمامی کارهای خانه را انجام میدهند ، زنان خوانین لفظ امر و نهی میکنند ، آنان از سر تا پاغن مزین به جواهر آلات و انواع و اقسام زنگوله طلائی هستند . از نظر آزادیها



در بولیوی نیز زنان علیرغم نظرات همسرانشان که آنها را فقط پرودگان خانگی میدانند و مانع از فعالیت آنها در امور سیاسی میشوند زمانی که همسرانشان یعنی کارگران معدن بولیوی به زندان افتادند یکپارچه به طرف زندان حرکت کرده و خواستار آزادی همسرانشان شدند و پس از آن بود که کمیته رزمنده زنان خانه دار تشکیل شد. بدیهی است در ابتدا این مردان ستمدیده از ترك لزوم فرگیری کامل زنان در مبارزات آزادیبخش ناتوان بودند. اما زنان در عمل نشان دادند که میتوانند در مبارزات انقلابی جامعه شرکت کنند و نشان دادند که حرکت آنها در انقلاب ضرورتیست تاریخی. چنانکه رهبر کبیر پرولتاریا لنین میگوید: «هیچ جنبش انقلابی بدون حرکت زنان به پیروزی نخواهد رسید» و این نظریه خط بطلانی است بر نظرات ضدبهنانی که تلاش میکنند تا بین این دو خط مرزی کعبه و جنبش زنان را از جنبش انقلابی نوده جدا سازند. آنان از ضرورت بسیج زنان در پیوند با طبقه کارگر چشم پوشیدند و به آزادی زنان در متن کامل آزادی کارگران و زحمتکشان باور ندارند و بعضی میدانند که زنان آزادی خود را تنها در روند مبارزه برای سوسیالیسم میتوانند بدست آورند و تنها به مسائل فرعی زنان میپردازند. دمیترا بکی از سارماندهندگان برجسته و مبارز بولیوی در اعتراض به ضدبهنانی میگوید: «من و شما از کدام تاروی هاز کدام مسائل و مشکلات مدترک می‌شوئیم حرف بزنیم هوقتی میسون ما آینده اعتلای زندگی، اعتلای فکر، اعتلای سطح هستی داریم که بهم بگوئیم» فرقی چندین اندیشه ای زنان بولیوی آموختند که هیچگونه مسائل مدترک بین زنان زحمتکش و زنانیکه در قصرهای مجلل می‌نشینند نمی‌تواند وجود داشته باشد و مبارزه آنان نه با مردها بلکه برعلیه همین مدترک تمام می‌گردد و زحمتکشان و لرهنک آن است. اینگونه بود که زنان بولیوی دلیرانه همدم مردان کارگر برعلیه سرمایه مبارزه کردند و یکمنا لریاد برآوردند بولیوی لفظ وقتی آزاد خواهد بود که یک کشور سوسیالیستی بشود. هم اکنون نیز زنان در تفکلهای خود علیرغم کودتاها و قتل و انفجالات بسیار هزار جدیدترین سرکوبها و عسولتها پیکار می‌کنند.

آنا ماریا



دورا ماریا تلهز DORA MARIA TELLES

نقش زنان ...

انقلابات پرولتری در سراسر جهان زیاده می‌کند هر هر گروه‌ای از جهان این زنان و مردان زحمتکش و پیروان آنان هستند که علیه هر گونه استثمار و استبداد می‌جنگند هر السالوادور نیز زنان و مردان رزمنده برای آزادی میهنشان از چنگال امپریالیسم هر روز ضربات تازه‌ای به این رژیم ددمن‌وار می‌خورند و هر روز زنان پیشتری به مبارزه کفیده می‌شوند زنان در تمامی عئون لعالنه شرکت می‌کنند . رئیس‌های آنامارتینز از کنوری به کشور دیگر می‌رود تا انقلاب سرزمینش را به جهان بیان بدناساند و بگوید علمبرلم نجیبز عدن هرجه پیشترو دولت‌خدا انقلابی السالوادور هرروزه به تعداد انقلابیون افزوده شده و زنان پیشتری به انقلابیون می‌پیوندند . رئیس آناماریا با نقش برجسته و انقلابی خود بها توان هشتکار و لداکاری بی‌سابقه امرجز زنانی است که به سمت لرماندهی ارتش آزاد پیشترو فائل آمده است او نه تنها الهام بخش تمام زنان مبارز و مترقی در سراسر جهان می‌باشد بلکه افتخار جنبش خدا امپریالیستی جهانی است بها آزاد شدن هرجه پیشترو عاك السالوادور از چنگال امپریالیسم و مزدوران بوسیله امر و بعدا درآمدن نالوس مرک امپراطوران سرمایه در آمریکای شمالی هرروزه امپریالیسم آمریکا دست به وحشیگری و جنایت می‌زند در پی آن است که رئیس آناماریا توسط نوکران آمریکا به عهادت می‌رسد تا به خیال امپریالیسم برای مدتی بتواند از انقلاب در این کشورها جلوگیری نماید . آنها نمیدانند بها افتادن سلاح آناماریا هزاران زن مبارز همپای دیگر مبارزین سلاح را بر دوش گرفته و تا آخرین قطره عوشتان بها این نمایان سرمایه بها این لرهنك منقط و پوسیده پورژوازی خواهند جنگید . یاعد که بها توان بی‌پایان این انقلابیون السالوادور نیز از چنگال امپریالیسم آزاد و زنان السالوادور هم سرمنشی چا به لحاظ زندگی و چه به لحاظ مبارزه برای دیگر زنان جهان یاعدند .



آنا مارتینز (۱۹۵۲ -)

دمیتلا
زنی از معادن
بولیوی

مکوتین دین (- ۱۹۲۰)

نقش زنان ...

طن این بررسی اجمالی توانستیم گوشه‌ای از حرکت زنان دلاور و انقلابی را در جنبش‌های نوده‌ای -
 نشان دهیم، آری زنان رزمنده در سراسر جهان میروند تا همپای مردان هم طبقه خویش مدتها تمامی ناک
 و فلاکت‌های اجتماعی، اقتصادی و -تعم دوگانه را نابود ساخته و جامعه‌ای عاری از -تم و گرسنگی
 بی‌خانمانی به‌همه‌ای که زنی بدلیل زن بودن مورد تحقیر واقع نگردد، مهیا کنند. دستاوردهای زنان
 در انقلابات پیروزمند نوبت به ن تمامی زنان و مردان زحمتکش می‌یابد. همراه با اقدامات سوسیالیست
 از قبیل اجتماعی کردن وسایل تولید و شرکت هرچه بیشتر زنان در تولید اجتماعی در کشورهای ازبند
 رسته زمینه مادی از بین رفتن ریشه‌های -تم منافع‌پر زنان فراهم آمده است. یکی از گام‌های اساسی
 در معو -تم کشیدگی زنان عمومی کردن کار خانگی می‌یابد که در این کشورها اقدامات استواری در این
 جهت برداشته شده است چنانکه در کوبا حرکت مردان در کارهای خانگی بصورت قانون تصویب می‌گردد. اینجا
 تسهیلاتی در این راستا از قبیل ایجاد مهدکودکها و غیره عوار گاهها در محل کار جیب می‌شود که زنان
 بتوانند با آرامش خیال از جانب فرزندان خود در امر تولید حرکت مستقیم و فعال جویند. در کشورها
 از بند رسته انسانی‌ترین قوانین در جهت رفع این تضیقات وضع گردیده از قبیل مرخصیهای طولانی بس
 حلقه دوران بارداری که سلامت زنان و کودکان سازنده فردای زیبای سوسیالیسم و کمونیسم را تضمین
 میکند. با منع قانونی کارهای سنگین و زیان آور برای زنان که باعث لطمه زدن به سلامت آنان می‌گردد
 بیکره آنان از زیر بار مصائب طلاق، فرسای کارهای خایرها خواهد شد و با آزاد شدن کارگران و زحمتک
 از زیر یوغ استثمار امپریالیسم بیسی از جمعیت جهان آزاد خواهد شد. بپر نیست آن روز، بپا می‌زنیم
 متحد خویم با قیام ملحانه و برپائی اعتماد عمومی سیاسی بساط زندگی جمهوری اسلامی و امپریالیسم
 آمریکا را از ایران برکنیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

وضعیت زنان ...

کنیم که کمونیستها گذشته از خواسته‌ها و اقدامات عمومی انقلابی در رژیم و آلترناتیو انقلابی مورد نظر
 خود اقدامات ویژه‌ای برای زنان در نظر دارند. برای نوده‌ها توضیح دهیم که حل و حلقه زنان بوی
 خواسته‌های زنان انقلابی چیست و برای چه خواسته‌هایی بوده است که هزاران شهید زن اکنون بر تارک
 این مبارزه می‌درخشند. زنانی چون مرضیه احمد اسکونی

زنان و مردان انقلابی!

با تشکیل و سازماندهی زنان بر علیه بیدادگری سرمایه و فرهنگ منحل طبقاتی آن بپا می‌زنیم با تس
 قیام ملحانه و اعتماد عمومی سیاسی جمهوری اسلامی را سرنگون و دمکراتیک خلق را بپا کنی
 جمهوری‌ای که در آن واقعا حقوق تمامی زحمتکشان و بویژه زنان تامین خواهد شد.

سیمای زن بلوچ

زنی چهارده ساله است. زنی که فقر و فلاکت موه تغذیه و رنج کار فبانه تکیده اش را بسیار سن تر از آن چه هست نمایان می‌سازد. فبانه‌ای که رنج سالها ستم و محرومیت را با خود همراه دارد. زنی که بر سینه کودکی پدرش را از ستم می‌دهد و پدر بزرگ زحمتکشش روی او خواهرش را با فقر و تنگدستی بزرگ می‌کند. دخترش که هنوز روزهای پرعمور جوانی اش را آغاز ننموده با لاجبار به همسرش پسرش می‌رود. ۵۰ ساله برمی‌آید. مردی که پیش از این به خواستگاری مادر بیوه اش آمده بوده است. او نیز مانند تمامی زنان محروم بلوچ نمی‌توانست اعتراض و پا کوچکترین معنی بگوید و به ناچار سکوم به قبول این زندگی زجرآور و گذشته بود. علی‌رغم سن کم کودکان زیادی دارد. شوهرش به دلیل پیروی قادر به کار نیست. با چند گوسفند و نکه زمینی گذران می‌کنند او با سسهای اسخرخاکی و لافرش چندین ساعت از روز را ماهرانه به دوغتن است. دوزبهای طریف می‌پردازد تا نسنی از هزینه خانواده را ناسبین نماید. همراه شوهرش به باغ می‌رود معلق می‌چیند معنی بر عجم زدن و درو کردن و کاشتن پسر شریک جنود. عجم عدن های دانشی بر روی پارچه و سوزن باعث گشته بچار سرد ردهای شدید گردد و گرمگی مداوم هیجان را بپس از پینی شکیده کرده است. از ایمانهای پس در پسر بدون کوچکترین امکانات درمانی و پزشکی او را کاملا برهم زده است. او مانند اکثریت زنان بلوچ از حد باسواد عدن محروم بوده است و فرهنگ عقب مانده جامعه بر پا هایش بفضهای محکمی تغذیه است. به طوریکه افکار عقب مانده و مذهبی اثر و فشارهای همسر به او این اجازه را نمی‌دهد که نسبت به کوچکترین کاری بزند و با از خانه بیرون رود و با معنی مدا بخورد. این سرفروخت معدوم تمامی زنان محروم و زجر کشیده و زحمتکش است که علاوه بر کار طائفه‌ها و اشتغال شدید از جانب فرهنگ عقب مانده و پوسیده رسالاری نیز در فشار و تنگنا فرار گرفته‌اند. بر کنار انبوه عطش زنان محروم زنانه دیده می‌شود که بر ناز و نعمت پسر می‌برند. زنان جوانین ه که سرفایستان از سنگینی برها" نرو افناده است. زنانه که مری در طلا و لباسهای دست‌دوز هشره کار و رنج زنان محروم است. ولی با وجود امکانات تمامی بی شمار اینان نیز به نوعی از ستم رسالارانده رنج می‌برند. به طوریکه شوهران آنها چندین زن برمی‌گزینند و همه را بر بند خود نگه داشته و به آنان حد هیچ گونه کار و استقلال را نمی‌دهند. اینان نیز از حد باسواد عدن محرومند. و عتی حق طاهر دور در انتظار عمو را ندارند. کلا این سرفروختی است که در انتظار تمامی زنانه است که در جامعه ای طردانی متولد می‌شوند. هر جامعه ای که زن را با دیدی پست می‌نگرند و او را موجودی حقیر می‌پندارند. مدیس گونه مبارزه برای رنج این ستم دوگانه هبراد رنج تبعیضات که بر پایه جنبش اعمال می‌شود تمامی زنانه را که به گونه ای زیر این ستم فرار دارند بر برمی‌گیرد.

هیچ جنبش حقیقی نوده‌ای، بدون شرکت

زنان، نمی‌تواند وجود داشته باشد

به نقل از کار شماره ۱۶۵

رفقا! زنان مبارز و آگاه!

برنامه عمل سازمان را الگوی تبلیغات خود در میان زنان زحمتکش قرار دهید و به آنان نشان دهید که کمونیتها گذشته از خواستهها و اقدامات عمومی انقلابی در رژیم و آلترناتیو انقلابی مورد نظر خود چه اقدامات ویژه‌ای برای زنان در نظر دارند.

رفقا! زنان مبارز و آگاه!

برنامه عمل سازمان گذشته از خواستهها و اقدامات عمومی انقلابی در جمهوری دمکراتیک خلق یمنوان رژیم و آلترناتیو مورد نظر خود خواستههای ویژه زیر را برای زنان مطرح کرده است -
 - حقوق اجتماعی برابر با مردان لغو هرگونه - تم و تبعیض برپایه جنسیت -
 - حرکت آزادانه زنان در تمام فعالیتها سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی -
 - لغو قوانین ارتجاعی مربوط به خانواده و نظیر حق طلاق یکجانبه متعدد زوجات و میغه و ...
 - لغو مقررات حجاب اجباری که ابزار فشار و - تم بر زنان است -

- برعوردهاری از حقوق و مزایای کامل (و مساوی با مردان در ازای کار مساوی و سایر تسهیلات - چون غیرخوارگاه مهدکودک و حق نگهداری و رسیدگی بکودکان در محل کار و ...

بایستی که ضمن سازماندهی و پیشبرد مبارزات زنان زحمتکش بر علیه - تمی که بر آنان اعمال میشود و حول خواستههای کنونی آنها مبارزات آنان را بمبارزه حول خواستههای مطرحه در برنامه عمل سازمان ارتقا داد و به پیش براند - البته برای زنان جهت خلاصی از - تم و محبانه‌های که بر آنان اعمال میگردد راهی جز فطمت بخشیدن به انقلاب جز به پیروزی رسانیدن انقلاب پیروز نیست - زنان تنها آنگاه رها

میکردند که انسانها رهاگردند و پاپان بخشیدن به - تم دوگانه اعمال شده بر زنان تنها آنگاه میراست که انتمار نانویت خود را از دست بدهد و چپاول انسانها از رحمت بیفتند و از اینروست که زنان باید در عین مبارزه بر حول خواستههای دمکراتیک خود برگرد محور طبقاتی مبارزه و به دور پرچم - سرح پرولتاریا متذکل گردند و مبارزه را تا سرنگونی انقلابی رژیم و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و حرکت در راستای استقرار سوسیالیسم و کمونیسم مداوم بکنند -

اما باز سوشی فراموش نکنیم که بدون زنان که نیسی از انسانها را تشکیل میدهند هیچگاه به موفقیت دست نخواهیم یافت تبلیغ کمونیتی و انقلابی در میان زنان زحمتکش را گسترش دهیم و مبارزات آنان را سازمان دهیم و سخن لنین را همواره الگوی راه خود سازیم که :

" هیچ جنبش انقلابی بدون حرکت زنان به پیروزی نخواهد رسید - "

شرف
کتاب

ارگان

مقره پریتهای فدائی خلق ایران

ما هم - لانه

نابود باد امپریالیسم

جهانی بسرکردگی امپریالیسم

امریکا و پایگاه داخلیش

ویژه نامه برخی شهدای زن از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

گرامی باد

یاد همه شهدای فدائی

یاد همه شهدای گمنام خلق

یاد همه شهدای انقلابی زن در طول تاریخ

به نقل از کار شماره ۱۶۵

رفقا! زنان آگاه و مبارز!

وتیله‌ای سنگین بر دوش ماست تا با کار در میان توده‌های زن آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی زنان را ارتقا بدهیم. عقب ماندگی فرهنگی و سیاسی توده‌های زن سابقه تاریخی دارد و این بار مسئولیت ما را الزون تر میکند. فراموش نکنیم جنبش انقلابی میهنمان نیازمند کثافتد شدن زنان بمرحله مبارزه است. البته وجود هزاران زن مبارزی که در زندانها هستند و با به جوعه مرگ سپرده شدند نشان از مبارزه و حرکت وسیع زنان در مبارزه است و لیکن ما باید توده‌های وسیع زنان زحمتکش را به مبارزه ست و لیکن ما باید توده‌های وسیع زنان زحمتکش را به مبارزه ببریم. برای اینکار بایستی که همه کار تبلیغی وسیعی در میان زنان کارگر و دهقان است گماشت و آگاهی‌های سیاسی‌شان را ارتقا بدهیم. ولی رفقا کثافتد هرچه کثرتده‌تر زنان بمرحله مبارزه انقلابی تنها با کار در میان زنان به انجام می‌برسد بقول لنین: «کار کمونیستی و سیاسی ما در میان توده‌های زن مستلزم بخش عمده کار تربیتی در میان مردان میباشد. باید نقطه نظر گذشته را که مربوط به دوران بردگی است در توده‌ها و حزب پیشه کن سازیم.»

فراموش نکنیم اهمیتی که ما به جنبش زنان زحمتکش می‌دهیم و جنبش که تنها در پیوند تنگاتنگ ما جنبش انقلابی تمامی کارگران و زحمتکشان یعنی و مفهوم انقلابی خواهد یافت صرفاً با پذیرش لفظی این مسئله بجای نخواهد رسید و هنوز به معنای پذیرش واقعی و عمیق این ضرورت نیست.



فدائی شهید فربیا فدیمیں
 فربیا فدیمیں گیلکمانی در سال ۱۳۱۲
 در راسر در خانواده ای کارگروں بدنیآ آمد
 فعالیت انقلابی خود را از دوران راهنمایی
 در مدرسه عنایت شروع کرد و با فروزان
 عدن دلمه های انقلاب با حرکت فعال در قیام
 حکومت مردم تجربه ها اندوخت و با حاکم
 عدن حکومت مستقلی عمینی همراه با صف
 پرولتاریا به مقابله با او پرداختست و
 سرانجام در ۲۲ شهریور بدست مزدوران عمینی
 دستگیر و به اوین برده شد و تحت عذبت تر-
 پن شکنه ها فرار گرفت و روز بیژده مهر
 درست روزی که به مادرش وعده کرده بودند
 برای غیراز او برود به جوجه های اعدام
 چیده شد باد او و ایمان - ترگن چراغ راه
 میلیونها زن دریند ایران است و میلیونها
 زحمتکش زیر وختیانه ترین استعمارهای قرون
 وطلاتی طیفه حاکم ایران امروز باد او را
 در قلمسایبان زنده نگه میدارند .

فدائی شهید فربیا بیژن زاده
 در سال ۱۳۱۷ در مراغه به دنیا آمد
 او به همراه رفقای فدائی حمید اشرف و مرتضی
 احمدی اسکوشی به مبارزه با غاه و حکومت
 سرمایه داران پرداخت و سرانجام در تاریخ
 ۸ اسفند ۱۳۵۵ در ترگیری سلیمانیه با عوامل
 رژیم غاه در خیابان کرمان شهادت رسید .
 پادش گرامی باد

گرامی باد خاطره شهدای بخون خفته خلق

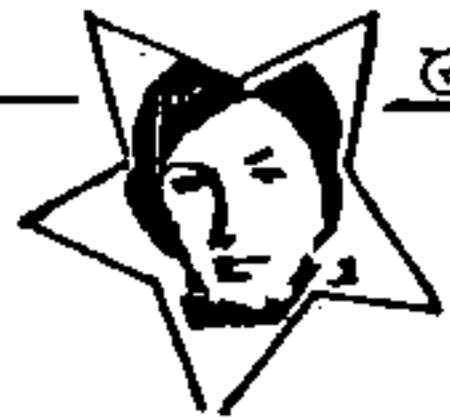
خاطره

فدائی خلق

شیرین فضیلت کلام

گرامی باد





رفیق شهید فدائی خلق مرضیه احمد اکتونی
 نرد آشنای خلق بود و با نیروی عظیم
 و عشق انقلابی در شناخت خلق و حائسب
 و مدکلات طبقات محروم جامعه کوشش می کرد
 و چون سوجی عظیم در دریای مبارزه طبقاتی
 بهر شکلی که می توانست به رژیم سرچریده -
 خان ضربه می زد در دانشجویی و آموزگاری
 و در مبارزه حرفه ای و مطقی اش همواره -
 ارکان قدرت حاکمه سرمایه داران را متزلزل
 می کرد .

نرد آشنای خلق بود و رنج ها و مشقت
 آنان را بزیبر سلطه سرمایه در عمر و نفس
 نمایان می کرد اما این برایش کافی نبود
 موج نا آرامی بود که باید بکوبد و فرهم
 پریزد نظم طبقاتی را از اینفو بدریسای
 بیدگران جنبش مسلحانه خلق پیوست و زندگی
 پرغور انقلابی خود را به مثابه رودی بسوی
 دریا آغاز کرد و اسلحه به دست گرفت و بسا
 روحیه سرختم و مقاومتش از منافع خلق به
 دفاع پرداخت و زندگی اش را به تمامی در
 راه دفاع از آرمان کارگران و زمینکنان
 نهاد و سرانجام در ششم اردیبهشت ماه سال
 ۱۳۵۲ در تیردی رویاروی با دشمن دلیرانه
 جنگید و قهرمانانه شهید شد . و بدین سان
 زن شاعر و نویسنده و انقلابی ایران بسا
 مدعا فدائی دیگر - ناره ای سوخ شد بر تارک
 جنبش زنان و پرولناریای ایران .
 بیانش گرامسی باد

رفیق فدائی شهید مریم نزاگاه
 در دیماه ۶۰ در اوج حفاان و ژبیم
 همپنی در شهر اراک هنگام بحث اعظمیست
 دستگیر و پس از تحمل ۱۰ ماه شکنجه در محر -
 گاه چهارم آبان ۶۰ با وفاداری به آرمان
 کارگران و زمینکنان به حوضه های اعدام
 سپرده شد .

رفیق مریم در قلب توده ها جای داشت
 چه آنگاه که نماینده محترمان و کانسوس
 معلمان بود و چه آن زمان که از آموزش و
 پرورش تبعیه شد و روحشانیان با اعتراض
 خواهان برگشتن به آموزش و پرورش بودند .

بیانش گرامسی باد



فدائی شهید
 رهرا فرمانسردار

نشریه
ریخای گمل

سازمان همپکهای فدائی خلق ایران
 خانه فرهنگ
 راه انجمن

گرامی باد خاطره فدائی شهید رفیق رهرا
 بیست شهریور



رفیق فدائی فاطمه محمدی
بنیست مزدوران جمهوری
اسلامی در ۲۶ بهمن ۱۳۶۱
اعدام گردید.



تدریج مواد داران سازمان چریکی فدائی خلق ایران
بهستان و بلوچستان

را بخوانید

گرامی باد خاطره



فدائی

خلق طاهره خرم

گرامی باد خاطره



فدائی

خلق فاطمه حسینی



بنابراین زنان در مقابل فراموشی و حنیان و غدا انسانی رژیم ناکتونی تنها شکل آوردانگیفته و بی سازمان داشته است. هنوز زنان تدکلهای لازم را برای مقابله با پابعالی تمامی حقوق اجتماعی خود را نیافته اند و از همین روست که در مقابل اعمال و حنیان و سرکوبهایی که علیه زنان اعمال میشود مبارزه چندان را عاهد نیستیم - البته این تاکید بسیار ما بر زنان نه به معنی جداسازی آنان از مبارزه طبقاتی و مبارزه برای سرنگونی رژیم بلکه به معنای تاکید بسیار بر لزوم سازماندهی زنان حول - تم مشترکی که جهت زن بودن به آنان اعمال میشود و تاکید بسیار بر لزوم پیگیری مبارزات دمکراتیک آنان است. زنان هرچند در کارخانه و مزرعه و اداره و مدرسه منبر و روستا باید هم با و دوخادوی مردان و رژیم طبقاتی خود را تقاضای بدهند اما باید آنانرا برای پیگیری وجه دیگری از مبارزه طبقاتی در شکل مبارزه جهت اعطای حقوق زنان نیز سازمان داد و از این طریق میتوان وسیعترین زنان را به عرصه پیگیری پیگیری با رژیم فرا خواند. زنان باید در هر کجا با تدکیل هستههایی از مبارزترین و آگاهترین افراد تبلیغ وسیع بر ضد سیاستهای ارتجاعی رژیم را سازمان دهند و از این راه زنان را در مقابل با این سیاستها بسیج نمایند. این عمل بخصوص در کارخانجاتی که تمام یا اکثر کارگران را زنان تشکیل میدهند و در صنایعی چون بهیاری و پرستاری و ... اهمیت ویژه ای مییابد. البته تبلیغ برای زنان محدود به خود زنان نیست بلکه این وظیفه ای به دوش تمامی کارگران و زحمتکشان اعم از زن یا مرد و بخصوص نیروهای انقلابی و کمونیست است.



بیروشات اسلامی جمهوری ادبیت راجی دمکراتیکین جمهوری